

<div><div> </div><div><div>در پرتو وحی</div></div></div>
<p>لزوم هجرت در راه خدا برای اجرای احکام الهی</p> <p>«ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! (اگر پرستش خداوند و اجرای دستورات او در آنجا که هستی‌د امکان ندارد هجرت کنید، چرا که) مسلماً سرزمین من وسیع و پهناور است. پس فقط مرا بپرستید.»</p> <p>تکویت – آیه ۵۶</p>
<p>چهلمین سالگرد تدفین حکم ریاست جمهوری شهید محمدعلی رجایی</p> <p>امروز هیچ عذری برای ما نیست</p> <p>دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان</p> <p>«... سپاس خداوند متعال را که ملت ما را در سومین انقلابی پیروز کرد و ای‌نک کشوری اسلامی، مجلسی اسلامی، ملتی مسلمان، رهبری جانشین به حق پیامبر و امام و در کنارشان رئیس جمهوری با دو ویژگی مقلد امام و فرزند تامل سینه‌است...»</p> <p>این بخشی از سخنرانی شهید محمدعلی رجایی بود که در انتخابات ۲ مرداد ۱۳۶۰ با کسب بیش از ۹۰ درصد آراء شرکت کنندگان، مورد اعتماد احاد ملت برای پست ریاست جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. کسی که خود فریاد کرد کبشود و رنج دیده از همان آحاد ملت بود.</p> <p>خوشد این‌گونه زندگی کرد:</p> <p>«... به طور خیلی خلاصه همان طور که هم‌مهمان می دانند اهل قزوین هستم، چهار سالم بود که پدرم فوت کرد، از یک خانواده متوسط، مذهبی و در عین حال در یک زندگی نسبتاً آبرومندی بزرگ شدم. سیزده ساله بودم که مدمه تهران، در تهران دستفروشی کردم و شاگردی کردم در بازار و بسیار خوشحال هم هستم، برای اینکه در سنین کودکی با زندگی گوربه‌خانه‌ها و جنوب شهر تهران کاملاً آشنا شدم، بعد به علی دستفروش‌ها ها جمع کردند و من با داشتن ششم ابتدایی رقم نیروی هوایی. در نیروی هوایی ضمن خدمت، تحصیل کردم و دیپلمه شدم. در این فاصله با آقای طالقانی آشنا شدم. ایشان مرا به دبیر شدن راهنمایی کردند، با اینکه می شد افسر هم بشوم ... بعد از ارتش استعفا کردم، آدمم بیرون، یک سال هم معلم بودم و بعد لیسانسه شدم و شروع کردم به دبیری... دوره فوق لیسانس شرکت کردم، فوق لیسانس امار، یک سال هم فوق لیسانس را خواندم. در حالی که دبیر بودم ولی گاهی می شد که ۱۰ تومان هم پول نداشتیم که برای زندگی روزم‌رومان باشد. اما خوشحال بودم چون سعی می کردم از یک زندگی اقتصادی سالمی برخوردار باشم...»</p> <p>همین مسئله باعث شده بود که شهید رجایی در همه دوران مسئولیتش چه زمانی که یک معلم بود، چه وقتی که وزیر و نخست وزیر شد و چه در دوران ریاست جمهوری یک جور زندگی کرد و روش و سبک زندگی‌ش تغییری نکرد.</p> <p>فیلم مستند معروفی از یک روز زندگی شهید رجایی وجود دارد که در همان ایام شروع دوران ریاست جمهوری از یک تلویزیون پخش شد. فیلمی که دوربینش حتی به اتاق بستوی خانه شهید رجایی هم رفت که باعث شد رجایی با اعتراضی دوستانه و صمیمانه بگوید «خاموش کنید. بگذارید ما به زندگی معمولی‌مان برسیم»</p> <p>در این فیلم شهید رجایی از محل کار به خانه باز گشته و پس از استقبال بچه ها، همراه سایر اعضای خانواده بر سر سفره شام ساده ای بر روی زمین نشسته و همسرش مقداری غذا از قابلمه برایش در بشقاب می ریزد، لحظه ای او می پرسد که «یا ایا مقدار زیاد نیست» و همین باعث می‌شود که همسر، مقدار غذایی که او مدعی است زیاد بوده را از سهم او کم کرده و به قابلمه بازگرداند!</p> <p>در همان فیلم شهید رجایی خاطره ای نقل می کند از مسافرتش به مشهد در زمان نخست وزیری:</p> <p>«... یادم هست اولین سفری که در هنگام نخست وزیری رقم مشهد، آنجا برای مردم توی صحن سخنرانی کردم، شنیدم از اینکه ما مدافع منتضغین هستیم، حرف زدم. طهر بود... بعد رفتم داخل محرم‌مسجد، سوره پهن کرده بودند که ناهار بدهند. وقتی آنجا پی سفره نشستم، دیدم که پلو و خورشت و نوشابه و میوه و ماست و انواع خوراکی‌ها بود. آنجا از خودم پرسیدم که آیا تو این حرف‌هایی که به آنها می‌گفتی (سخنرانی در سخن) را راست می‌گفتی؟ یا این کاری که اینجا نذری می‌کنی؟ این بود که اصتر کردم، سفره را از آن رنگین بوندند، بیرون می‌آوردند. حقیقتش این است حالا که ما مست داریم و دست داریم، چون می‌رویم با مردم صحبت می‌کنیم می‌گوییم این‌شالله درست می‌شود، اگر ندراید، صبر کنید و طاعت بیاورید ... خوب، این درست نیست که ما خودمان کمتر از همه طاعت داشته باشیم...»</p> <p>این ساده‌زیستی واقعا فاش معشار و سخنرانی و جلوی دوربین های تلویزیونی نبود، شهید رجایی با پوست و گوشتش محرمیت و عظولیت امیر مردم را حس کرده بود و نمی‌توانست به جز آنچه حس کرده از زندگی کند. به طوری که شاید حتی سخنرانی‌ها و تصاویر تلویزیونی نمی توانستند عبق آن مرد و زوگی مردمی او را نشان دهند.</p> <p>چنان که حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) در آستانه اولین سالگرد شهادت شهیدان رجایی و باهنر و گرامیداشت هفته دولت (۷ شهریور ۱۳۶۱) درباره مردمی بودن مسئولان در نظام اسلامی و لزوم خدمت‌رسانی آنها به مردم فرمودند:</p> <p>«... من فیلمی که دیدبش از مرحوم رجایی گذاشته بودند و منزلش را نشان می‌دادند - یک دفعه دیگر هم مثل اینکه دیدم این‌ها - بعضی از اختصای که پیش من بودند، می‌گفتند ما راقتم منزل آقای امام رجایی... آنجا به این اندازه نیست... واقع مطلب اینست: این که پیش بزرگی کتله نشان داد می‌دهد و حال آنکه ما که رفتم منزلشان دیدیم که، مسئله این‌طور هم نیست، وقتی بنا شد که یک نفر رئیس جمهور باشد، یک یا نفر نخست وزیر است، اما منزلش آنطوری است و وضع عادل‌اش این طوری است، این دیگر نمی‌شود که از یک قدرت بزرگی ترسد. برای چه ترسد؟ یا که از آن که او نمی‌گیرد. آن باید ترسد که می‌خواهد چپاول کند و می‌خواهد یک حکومت کثابی بکند، آن باید ترسد. اما رجایی - خدا رحمتش کند - اذمانال اینها و باهنر و اینهایی که ما از دستت دادیم، که این‌طور نبودند که زندگیشان بهتر باشد که یک مبادا کمی وقتی از دست ما برود، خاضع بشوند پیش دیگران و برای اینکه زندگی را جی‌ش‌ش بکنند زور گوینی به مردم...»</p> <p>او به دنبال بیست و مقام نبود و همان بیست معلمی را از هر مقام و خدمتی بالاتر می دانست اما وقتی که می دیدا همه استعداد و ظرفیت این ملت و مملکت و با آن رهبری پیامبرگونه امام، بعضا مسئولیتی نالایق و به دور از مردم، رزام امور را به دست می‌گیرند، ناراحت بود. خودش درباره انگیزه‌های نامزد شدن برای ریاست جمهوری گفت:</p> <p>«وقتی دوره نخست وزیری مهندس بازرگان تمام شد، من خیلی دلگير و دلخور بودم که یک انقلابی شده... مردم این همه حاضرند کار کنند و ما برای نخست وزیر شدن در این جامعه این همه اشکال و ایراد داریم. این بود که روزی با برادرم آقای اخمنی‌ای که یک کمیته صحت شد، من من این مطلب را گفتم که واقعا کار این‌قدرها ... سخت نیست و جامعه ما می تواند همان طور که انقلاب کرده، می تواند حکومت کند، همان‌طور که خراب کرد، این تواند بسازد. آقای اخمنه ای هم گفتند بله تو هم می توانی نخست وزیر باشی... گفتم بله هیچ اشکال ندارد، می توانم باشم. من در وزارت آموزش و پرورش تجربه کرده بودم و گفتم اگر انسان واقعا به این انقلاب معتقد باشد، انقلاب را قبول داشته باشد، رهبری اش را به خصوص به عنوان مرجع تقلید پذیرفته باشد، کار برایش بسیار ساده است و آن را در وزارت آموزش و پرورش استحان کرده بودم، در نخست وزیری یک بار دیگر امتحان کردم، من نظر خودم این بود که کاملاً موقه هستم و امیدوارم که ریاست جمهوری را به همان شکل بتوانم به پایان برسانم...»</p> <p>شهد رجایی علی‌رغم نخست وزیر کوتاه مدت و بعد دوره ۲۰۸ روز ریاست جمهوری و با وجود تکمیل شدن یک جنگ عظیم عیار به کشور که هزاران کیلومتر مربع از مینهن اسلامی را در زیر چکمه های دشمن یعنی قرار داده بود و ناگزیر بایستی امکانات بسیاری از کشور صرف دفاع می گردید اما در طول همان مدت حتی یک قدم از خدمت برای مردم باز نداشت چرا که امامش فرموده بود: «هیچ عذری برای ما نیست امروز چنانچه یک خرابی در مملکت واقع بشود و دنبال اصلاحات نبودیم، عذری نداریم، همهٔ ما، چه آنهایی که لشکری هستند و اینجا هستند و نیستند و چه آنهایی که در کشور خدمت می‌کنند و چه مردم دیگر، همهٔ ما مسئول هستیم ... همهٔ ما در مقابل خدا جواب باید بدهیم، باید فکر این کشور باشیم... فکر این اسلام که در کشور ما تشریف آورده اند و قدمشان روی چشمه باشیم...»</p>

«... سپاس خداوند متعال را که ملت ما را در سومین انقلابی پیروز کرد و ای‌نک کشوری اسلامی، مجلسی اسلامی، ملتی مسلمان، رهبری جانشین به حق پیامبر و امام و در کنارشان رئیس جمهوری با دو ویژگی مقلد امام و فرزند تامل سینه‌است...»

این بخشی از سخنرانی شهید محمدعلی رجایی بود که در انتخابات ۲ مرداد ۱۳۶۰ با کسب بیش از ۹۰ درصد آراء شرکت کنندگان، مورد اعتماد احاد ملت برای پست ریاست جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. کسی که خود فریاد کرد کبشود و رنج دیده از همان آحاد ملت بود.

خوشد این‌گونه زندگی کرد:

«... به طور خیلی خلاصه همان طور که هم‌مهمان می دانند اهل قزوین هستم، چهار سالم بود که پدرم فوت کرد، از یک خانواده متوسط، مذهبی و در عین حال در یک زندگی نسبتاً آبرومندی بزرگ شدم. سیزده ساله بودم که مدمه تهران، در تهران دستفروشی کردم و شاگردی کردم در بازار و بسیار خوشحال هم هستم، برای اینکه در سنین کودکی با زندگی گوربه‌خانه‌ها و جنوب شهر تهران کاملاً آشنا شدم، بعد به علی دستفروش‌ها ها جمع کردند و من با داشتن ششم ابتدایی رقم نیروی هوایی. در نیروی هوایی ضمن خدمت، تحصیل کردم و دیپلمه شدم. در این فاصله با آقای طالقانی آشنا شدم. ایشان مرا به دبیر شدن راهنمایی کردند، با اینکه می شد افسر هم بشوم ... بعد از ارتش استعفا کردم، آدمم بیرون، یک سال هم معلم بودم و بعد لیسانسه شدم و شروع کردم به دبیری... دوره فوق لیسانس شرکت کردم، فوق لیسانس امار، یک سال هم فوق لیسانس را خواندم. در حالی که دبیر بودم ولی گاهی می شد که ۱۰ تومان هم پول نداشتیم که برای زندگی روزم‌رومان باشد. اما خوشحال بودم چون سعی می کردم از یک زندگی اقتصادی سالمی برخوردار باشم...»

همین مسئله باعث شده بود که شهید رجایی در همه دوران مسئولیتش چه زمانی که یک معلم بود، چه وقتی که وزیر و نخست وزیر شد و چه در دوران ریاست جمهوری یک جور زندگی کرد و روش و سبک زندگی‌ش تغییری نکرد.

فیلم مستند معروفی از یک روز زندگی شهید رجایی وجود دارد که در همان ایام شروع دوران ریاست جمهوری از یک تلویزیون پخش شد. فیلمی که دوربینش حتی به اتاق بستوی خانه شهید رجایی هم رفت که باعث شد رجایی با اعتراضی دوستانه و صمیمانه بگوید «خاموش کنید. بگذارید ما به زندگی معمولی‌مان برسیم»

در این فیلم شهید رجایی از محل کار به خانه باز گشته و پس از استقبال بچه ها، همراه سایر اعضای خانواده بر سر سفره شام ساده ای بر روی زمین نشسته و همسرش مقداری غذا از قابلمه برایش در بشقاب می ریزد، لحظه ای او می پرسد که «یا ایا مقدار زیاد نیست» و همین باعث می‌شود که همسر، مقدار غذایی که او مدعی است زیاد بوده را از سهم او کم کرده و به قابلمه بازگرداند!

در همان فیلم شهید رجایی خاطره ای نقل می کند از مسافرتش به مشهد در زمان نخست وزیری:

«... یادم هست اولین سفری که در هنگام نخست وزیری رقم مشهد، آنجا برای مردم توی صحن سخنرانی کردم، شنیدم از اینکه ما مدافع منتضغین هستیم، حرف زدم. طهر بود... بعد رفتم داخل محرم‌مسجد، سوره پهن کرده بودند که ناهار بدهند. وقتی آنجا پی سفره نشستم، دیدم که پلو و خورشت و نوشابه و میوه و ماست و انواع خوراکی‌ها بود. آنجا از خودم پرسیدم که آیا تو این حرف‌هایی که به آنها می‌گفتی (سخنرانی در سخن) را راست می‌گفتی؟ یا این کاری که اینجا نذری می‌کنی؟ این بود که اصتر کردم، سفره را از آن رنگین بوندند، بیرون می‌آوردند. حقیقتش این است حالا که ما مست داریم و دست داریم، چون می‌رویم با مردم صحبت می‌کنیم می‌گوییم این‌شالله درست می‌شود، اگر ندراید، صبر کنید و طاعت بیاورید ... خوب، این درست نیست که ما خودمان کمتر از همه طاعت داشته باشیم...»

این ساده‌زیستی واقعا فاش معشار و سخنرانی و جلوی دوربین های تلویزیونی نبود، شهید رجایی با پوست و گوشتش محرمیت و عظولیت امیر مردم را حس کرده بود و نمی‌توانست به جز آنچه حس کرده از زندگی کند. به طوری که شاید حتی سخنرانی‌ها و تصاویر تلویزیونی نمی توانستند عبق آن مرد و زوگی مردمی او را نشان دهند.

چنان که حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) در آستانه اولین سالگرد شهادت شهیدان رجایی و باهنر و گرامیداشت هفته دولت (۷ شهریور ۱۳۶۱) درباره مردمی بودن مسئولان در نظام اسلامی و لزوم خدمت‌رسانی آنها به مردم فرمودند:

«... من فیلمی که دیدبش از مرحوم رجایی گذاشته بودند و منزلش را نشان می‌دادند - یک دفعه دیگر هم مثل اینکه دیدم این‌ها - بعضی از اختصای که پیش من بودند، می‌گفتند ما راقتم منزل آقای امام رجایی... آنجا به این اندازه نیست... واقع مطلب اینست: این که پیش بزرگی کتله نشان داد می‌دهد و حال آنکه ما که رفتم منزلشان دیدیم که، مسئله این‌طور هم نیست، وقتی بنا شد که یک نفر رئیس جمهور باشد، یک یا نفر نخست وزیر است، اما منزلش آنطوری است و وضع عادل‌اش این طوری است، این دیگر نمی‌شود که از یک قدرت بزرگی ترسد. برای چه ترسد؟ یا که از آن که او نمی‌گیرد. آن باید ترسد که می‌خواهد چپاول کند و می‌خواهد یک حکومت کثابی بکند، آن باید ترسد. اما رجایی - خدا رحمتش کند - اذمانال اینها و باهنر و اینهایی که ما از دستت دادیم، که این‌طور نبودند که زندگیشان بهتر باشد که یک مبادا کمی وقتی از دست ما برود، خاضع بشوند پیش دیگران و برای اینکه زندگی را جی‌ش‌ش بکنند زور گوینی به مردم...»

او به دنبال بیست و مقام نبود و همان بیست معلمی را از هر مقام و خدمتی بالاتر می دانست اما وقتی که می دیدا همه استعداد و ظرفیت این ملت و مملکت و با آن رهبری پیامبرگونه امام، بعضا مسئولیتی نالایق و به دور از مردم، رزام امور را به دست می‌گیرند، ناراحت بود. خودش درباره انگیزه‌های نامزد شدن برای ریاست جمهوری گفت:

«وقتی دوره نخست وزیری مهندس بازرگان تمام شد، من خیلی دلگير و دلخور بودم که یک انقلابی شده... مردم این همه حاضرند کار کنند و ما برای نخست وزیر شدن در این جامعه این همه اشکال و ایراد داریم. این بود که روزی با برادرم آقای اخمنی‌ای که یک کمیته صحت شد، من من این مطلب را گفتم که واقعا کار این‌قدرها ... سخت نیست و جامعه ما می تواند همان طور که انقلاب کرده، می تواند حکومت کند، همان‌طور که خراب کرد، این تواند بسازد. آقای اخمنه ای هم گفتند بله تو هم می توانی نخست وزیر باشی... گفتم بله هیچ اشکال ندارد، می توانم باشم. من در وزارت آموزش و پرورش تجربه کرده بودم و گفتم اگر انسان واقعا به این انقلاب معتقد باشد، انقلاب را قبول داشته باشد، رهبری اش را به خصوص به عنوان مرجع تقلید پذیرفته باشد، کار برایش بسیار ساده است و آن را در وزارت آموزش و پرورش استحان کرده بودم، در نخست وزیری یک بار دیگر امتحان کردم، من نظر خودم این بود که کاملاً موقه هستم و امیدوارم که ریاست جمهوری را به همان شکل بتوانم به پایان برسانم...»

شهد رجایی علی‌رغم نخست وزیر کوتاه مدت و بعد دوره ۲۰۸ روز ریاست جمهوری و با وجود تکمیل شدن یک جنگ عظیم عیار به کشور که هزاران کیلومتر مربع از مینهن اسلامی را در زیر چکمه های دشمن یعنی قرار داده بود و ناگزیر بایستی امکانات بسیاری از کشور صرف دفاع می گردید اما در طول همان مدت حتی یک قدم از خدمت برای مردم باز نداشت چرا که امامش فرموده بود: «هیچ عذری برای ما نیست امروز چنانچه یک خرابی در مملکت واقع بشود و دنبال اصلاحات نبودیم، عذری نداریم، همهٔ ما، چه آنهایی که لشکری هستند و اینجا هستند و نیستند و چه آنهایی که در کشور خدمت می‌کنند و چه مردم دیگر، همهٔ ما مسئول هستیم ... همهٔ ما در مقابل خدا جواب باید بدهیم، باید فکر این کشور باشیم... فکر این اسلام که در کشور ما تشریف آورده اند و قدمشان روی چشمه باشیم...»

شهدید رجایی در دوران نخست وزیری در حالی که با میراث کمبودی ا بودجه ای بالغ بر ۴۲۰ هزار میلیارد ریال مواجه بود اما بنا به درخواست امام که امور جنگ را اولویت اول کشور می دانستند، علاوه بر قرارداد هم امکانات کشور در خدمت امام قدس، برای رسیدگی به وضع اقتصادی کشور و جلوگیری از سوء استفاده های مالی و احتکار، ستاد بسیج اقتصادی را تشکیل داد و علاوه بر تهیه و تدارک بسیاری از کالاهای اساسی، این کمیته حامل انرژی را سهمیه‌بندی کرد که این موضوع به تهیه و توزیع عادلانه این کالاهای در شرایط جنگی و بهره مندی اکثرم مردم، بسیار کمک نمود.

دولت شهید رجایی، به واقه دولت مردم بود و سعی داشت در کنار شرایط تحمیلی جنگی که شرایط عظیمی از بودجه مملکت را به خود اختصاص می داد، تا جایی که می تواند خدمتی برای مردم و گشایشی حقیقی برای اقشار محروم فراهم آورد و از طرف دیگر فاصله طبقاتی را به حداقل برساند. این هدفی روزی حقوق کارگران از ۱۵۰۰ تومان به ۵۰۰۰ تومان به ۱۰۰۰۰ تومان افزایش و حقوق وزرای دولت از ۲۵ هزار تومان به ۷۰ هزار تومان کاهش پیدا کرد.

طرح حمایت از اقشار ضعیف کم درآمد خصوصاً در سن ۶۰ سال به بالا از جمله اقدامات اقتصادی شهید رجایی بود که نام تمام طرح شهید رجایی مضموم شد و هنوز هم به نام ایشان، موجد کمک های مستمر مالی و مادی به این دسته از اقشار جامعه می گردد. همچنین تلاش برای اجرای اصل ۲۴ قانون اساسی که شفافیتی اقتصاد کشور را به همراه داشت، از دیگر فعالیت‌های دولت شهید رجایی در همان مدت زمان کوتاه و علیرغم شرایط جنگی کشور بود.

- سخنرانی شهید محمدعلی رجایی – مراسم تدفین حکم ریاست جمهوری – ۱۱ مرداد ۱۳۶۰
- «فيلم مستند «من رجایی هستم» - شبکه مستند
- همان
- رحیم امام، جلد ۱۶، صفحات ۴۴۲ تا ۴۵۴
- آقای رئیس جمهور – قسمت اول – بنیاد روایت فتح
- سخنرانی امام خمینی در مراسم تدفین حکم ریاست جمهوری شهید رجایی – ۱۱ سرداد ۱۳۶۰ - صفحه امام - جلد ۱۶

اخبار کشور

در آخرین جلسه کابینه دوازدهم

روحانی: دولت پیروز بوده است!



رئیس‌جمهور روحانی در جریان دیدار با اعضای هیئت دولت

مشخص بود و بدانیم که پیروزی به‌صرف گفتن نیست و اعلام و شناختن دارد، اگر بعد از ۲۳ تیر ۱۳۹۴ تورم کاهش یافت، رشد اقتصادی، اشتغال، سرمایه‌گذاری، می‌گردید و می‌توسیدم که این در گران‌بیا ضمه ببیند.

لیدر رئیس‌جمهور که درصده توجیه مشکلات کشور بود، صرفاً به اینکه «جیشی از واقعیت‌ها در این کشور نیست» اکتفا کرد و توضیح نداد که بخشی از واقعیات چه بود؟

وی افزود: به همین دلیل بسیاری از مسائل را به‌جان خریدیم و خیلی از اشکالات را پاسخ ندادیم تا استقام ملی و وحدت ملی حفظ شود.

پیروزی ما ۹۰ و شکست ما ۲۰ بود

رئیس‌جمهور در بخشی دیگری از اظهارات‌ش به تیرسرف و تمجید از عملکرد خود در سیاست خارجی و پرداخت و تصریح کرد: تردید نداشتیم که ما بخانه با جهان شکست نمی‌خوریم و شکست نخوردیم باز هم اگر منازک‌های روز شکست نمی‌خوریم، ما با قدر، دیپلمات‌ها و حقوقدان‌های قوی داریم و در خط مقدم منازکات حضور، داشتند که دیدیم در مقابل‌جسلس به پیروزی رسیدیم، البته پیروزی یعنی در تعامل و مذاکره با یک قدرت و با چند قدرت و با جهان، پیروزی نهایت امر هست و ممکن است جای شکست و با پیروزی باشد ولی پیروزی ما ۹۰ و شکست ما ۲۰ بود، پس پیروز هستیم.

ما پیروز بودیم؛ پیروزی اعلام و شاخص داردا
روحانی با ناینده گرفت مسائل اقیبی و وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم و بدون توجه به آمارهای اقتصادی خاطرنشان کرد: ما پیروز بودیم و آثار آن نیز

افتتاح ۳۰۰ مدرسه و مرکز فرهنگی در مناطق محروم و روستایی توسط ستاد اجرایی فرمان امام (ع)

۱۵۰ مدرسه «فرهنگی» یا **۷۵۰ کلاس درس** و **۱۵۰ مسجد و مرکز فرهنگی مذهبی برکت** با اعتبار **۱۰۰ میلیارد تومان در مناطق محروم و روستایی کشور به بهره‌برداری رسید.**

به گزارش کیهان، صبح بیروز رئیس ستاد اجرایی فرمان امام در حضور در شهرستان پاکدشت استان تهران، ضمن بازدید از چند مدرسه جدید برکت در مناطق محروم این شهرستان، به‌مرکز ویدئوکنفرانس ۱۵۰ مدرسه و ۱۵۰ مسجد و مرکز فرهنگی احداث شده در مناطق محروم و روستایی کشور را افتتاح کرد.

در این آئین که مدبران عامل ستاد ایجاد برکت و بنیاد ارحام، دوستان اجتماعی ستاد اجرایی فرمان امام، معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان نظامی مدارس، فرهنگدار و نماینده مردم پاکدشت در مجلس شورای اسلامی نیز حضور داشتند، ابتدا دو مدرسه «برکت شهید فخرزاده» و «برکت شهید نصرالله سیری» به بهره‌برداری رسیدند و تحویل وزارت آموزش و پرورش شدند. رئیس ستاد اجرایی فرمان امام در این مراسم گفت: امروز شاهد بهره‌برداری از ۱۵۰ مدرسه و ۱۵۰ مسجد و مرکز فرهنگی برکت در کشور هستیم. محمد مخیر با بیان اینکه یکی از اساسی‌ترین کارهای بنیاد برکت بحث مدرسه‌سازی است، افزود: رهبر مملکت

معروف به «دلار جهنگلری» که ۱۸ میلیارد دلار از ذخایر ارزی کشور را بر باد داد اشاره کرد و گفت: برای کالاهای اساسی از ارز ۴۲۰۰ تومانی استفاده کردیم و قیمت کالا فقط از نسیبت، حمل‌ونقل و مسائل دیگر هم هست و تورم کل کشور در قیمت جنس تأثیرگذار است و ما توان‌مان را در این‌زمینه به‌کار گرفتیم و کار ما بی‌نقص نبوده است؛ ما عیب داریم و معصوم نیستیم. تلاشمان بر این بود که عیب ما کمتر باشد و اگر عیب و نقضی داشتیم از مردم عذرخواهی می‌کنیم و از آنها طلب عفو می‌کنیم چون در حد توان اقدامات ما در آن شرایط انجام دادیم.

می‌توانستیم تحریم‌ها را برداریم
وی همچنین سه به‌برام اشاره کرد و گفت: ما می‌توانستیم دستورات و چارچوبی را که مقام معظم رهبری از ۱۳ دهه‌سال گذشته برای بازگشت آمریکا به برجام و تعامل کامل ما با تعهدات‌مان در برجام اعلام کرده بودند، می‌توانستیم اجرا کنیم و تحریم را برداریم ولی چای دیگری گرفتار شدیم و گرفتاری دیگری برای ما ایجاد شد؛ و الا در شرایط بهتری دولت را به اتمام می‌رساندیم. و دلال معامله بشود، حداقل ۲۰ درصد درآمد کاهش می‌یابد و اگر چیزی وارد شود ۲۰ درصد افزایش پیدا می‌کند. با توقف داد و ستد دولتی و تحریم، به مردم فشار وارد شد و ما به‌خاطر شرایط تحریم واردات ۱۵۰۰ قلم کالا را متوقف کردیم و وقتی واردات ممنوع نشود آثارش معلوم است مثلاً وقتی واردات خودرو را ممنوع می‌کنیم این در حالی است که طی ۸ سال گذشته، دولت روحانی کربد بیشترین حجم نقدینگی و بیشترین تورم را هم زد و اساساً در دوران مدیریت و تعلمی امرهای آمارهای اقتصادی جابجا شد و فاجعه اقتصادی رخ داد.

ازروهایی برپادرفته!

روحانی برای تعدیل عمق فاجعه مدیریت دولتی تدبیر و امید به بیان ازروهایی برادرفته خود پرداخت و گفت: البته ازوهی ما این بود وقتی توانستیم تورم را کاهش دهیم و تک‌رقمی کنیم، در آن حد نگه داریم و ما تورم ۴۰ درصد را کاهش داده و در سال ۱۳۹۴ با تک‌رقمی جنگ تا سال ۱۳۹۷ تک‌رقمی نگه داشتیم ولی وقتی وارد جنگ اقتصادی شدیم شرایط تغییر یافت و این روش‌ن واضح است.

مردم حق دارنده از نظر معیشت ناراحت باشند!

رئیس دولت دوازدهم گفت: اگر این دوران جنگ تحمیلی اقتصادی نبود، شاخص‌ها سه ما می‌گوید که همان روند ارانامه می‌دادیم و این که مردم از نظر معیشت ناراحت هستند، حق دارند، ولی باید دید که در آن شرایط چه کاری می‌توانستیم انجام بدهیم... امروز معوق بود که نگذاشتند نصف ما صادر شود و صادرات با مشکل مواجه بود و روابط بانکی ما را مسدود کردند.

بنیاد برکت در حوزه عمرانی ۵۳ هزار و ۲۸۱ پروژه دارد که شامل بیمارستان، مدرسه، مرکز فرهنگی و… است.

امیرحسین مدنی با بیسین اینکه تاکنون قرارداد ساخت دو هزار و ۱۰۰ مدرسه را بستیم، افزود: همه‌اکنون ۲۵۰ هزار دانش‌آموز در کشور در مدارس برکت مشغول به تحصیل هستند.

مهاله خراسانی معاون وزیر آموزش‌وپرورش و رئیس وکلای نوسازی مدارس کشور نیز در این مراسم گفت: کرونا زمانی که وارد کشور شد بسیاری از مدربن کشور در محاسی از یک ناآشنند اما مجموعه ستاد اجرایی فرمان امام در تولید ملابک و دستگامه اکسیرن‌ساز و نهایتاً واکسن که موضوعی استراتژیک است که خوبی وارد عمل شد و بطور چابک‌به به داد مردم رسیدند.براهم‌فشاری نماینده مردم پاکدشت در مجلس شورای اسلامی نیز از رئیس ستاد اجرایی فرمان امام به دلیل حضور در پاکدشت و مدرسه‌سازی در این منطقه محروم تشکر می‌کند.

ی پایان این برنامه، با دستنور رئیس ستاد اجرایی فرمان امام ۳۰۰ مدرسه و مرکز فرهنگی در استان‌های کشور از جمله خوزستان، مازندران، خراسان‌جنوبی و ایلام به‌صورت ویدئوکنفرانس افتتاح شدند.

هزمان با انتشار نتایج اولیه

فاطمه زرین‌آزمیزی با اشاره به اعلام نتایج آزمون سراسری در سایت سازمان سنجش اظهار داشت: ۱۴۰۰ ثبت‌نام نموده و نایب جلسه آزمون (در روزهای چهارشنبه ۹ تیر تا شنبه ۱۲ تیر) بودند، نیازی به ثبت‌نام مجدد برای آزمون سباق سبوق تحمیلی (بدون آزمون) است در رشته‌هایی که پذیرش آنها با سباق نازند و می‌توانند در رشته‌هایی که پذیرش آنها با سباق تحمیلی (بدون آزمون) است تا ۱۵۰۰ کدرشته محل از دفترچه سباق انتخاب رشته انتخاب نموده و در فرم انتخاب رشته درج نمایند.

تبره ۲: مقناضایی که قبلاً در آزمون سراسری سال ۱۳۸۰ ثبت‌نام نکرده‌اند، می‌توانند بر اساس اطلاعیه‌ای که روز چهارشنبه ۱۳/۵/۱۴۰۰ منتشر می‌شود از سباقه خود مشاهده کنند.
سختگوی سازمان سباق سبوق تحمیلی (بدون آزمون) است بر اساس سبوق تحمیلی (بدون آزمون) است بر اساس دفترچه راهنمای ثبت‌نام و اقدام نمایند.

تبره ۳: صورتی که فردی هم نسبت به انتخاب رشته در مرحله سباق رشته‌های آ از آزمون و رشته‌های صرفاً بر اساس سبوق تحمیلی (بدون آزمون) اقدام کرده و هم در مرحله ثبت‌نام برای رشته‌های صرفاً بر اساس سبوق تحمیلی (بدون آزمون) اقدام به ثبت‌نام و انتخاب رشته برای این رشته‌ها نماید، ثبت‌نام و انتخاب رشته وی در رشته‌های صرفاً بر اساس سبوق تحمیلی باطل خواهد شد و هزینه پرداختی وی نیز مسترد نخواهد شد.

ندو دربار حمله به نفتکش اسرائیلی

وجودیت نامشروع رژیم اشغالگر قدس باید دست از اتهام زنی‌های واهی بردارد

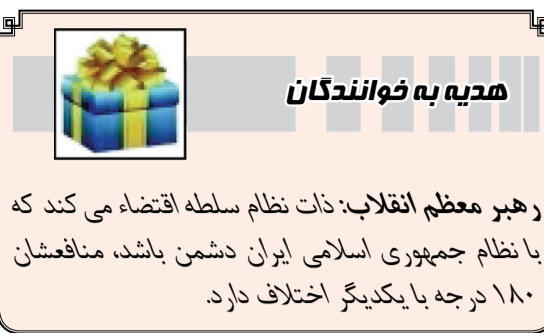
در دست داشتن ایران در حمله به نفتکش اسرائیلی و تلاش این رژیم برای طرح این موضوع در شورای امنیت سازمان ملل گفت: موجودیت نامشروع رژیم اشغالگر قدس باید دست از اتهامات زنی‌های واهی بردارد. این رژیم بار بار اعلام کرده است که این اتهامات متوجه جمهوری اسلامی ایران است. این گروه همچنین مدعی است که کشتی میرس استریت سپس برای بار دوم نیز هدف حمله شد که باعث وقوع انفجار در عرشه کشتی شده است. صبح جمعه گروه نظامی انگلیسی موسوم به اشغالگر قدس را این منطقه باز گرفتند.
خبرسپز:زاده سا بیان این‌که طرف‌ها این اظهارات محکوم است. خاطرنشان کرد رژیم اشغالگر قدس باید بداند یا این فراکتی‌ها دردی از دردهایش داونمی‌کند هر کس باید بکارد توافقان دردی کند.
این دیپلمات ارشد ایرانی تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران لطمه‌ای تردید نمی‌کند برای این‌که از منافع عالیه مردم و از امنیت ملی خودش محافظت کند.

روز جمعه گذشته یک گروه اطلاعاتی-امنیتی دریایی موسوم به «یراد گلوبال» در گزارشی اعلام کرد، یک کشتی که با پرچم لیبیا در حال حرکت است، کشته‌شد.

صفحه ۳

دوشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۰

۲۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ – شماره ۹۰۹۲۲۸



هدیه به خواننده

رهبر معظم انقلاب: ذات نظام سلطه اقتضای می کند که با نظام جمهوری اسلامی ایران دشمن باشد، منافعتن ۱۸۰ در جه با یکدیگر اختلاف دار.

اخبار ادبی و هنری

وزارت اشتاد دولت دوازدهم

چگونه به استقبات رمان موهن رخت؟

یک فعال عرصه نشر در نامه‌ای سرگشاده خطاب به وزیر ارشد، به شرح جابجای استقبات یک جایزه منتسب به این وزیرتخاض از یک رمان موهن و سخیف و واکنش نوسنده این برداخت.

«حسن شاهمهرادی» مدیر انتشارات امیرکبیر طی یادداشتی خطاب به سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت دوازدهم، با اشاره به یکی از کتاب‌های نامزد شده در جایزه جلال سار ۹۷، نوشت: «همان سال دوست فاضلم، مسعود افروزی نقدی در این نوشت که کل تلاش این بود: «[...] مبتذل است» به معنای هنری کلمه، کیفی است؛ به معنای اخلاقی کلمه و عقب افتاده است؛- به معنای علمی کلمه؛» البته دیبانی آن سال، بنا به دایلی، برخی از گفتافت کتاب مانند توپن‌های سفید خانه به حاج قاسم سلیمانی را در نقش نابود که بگذریم، آن سال برخی از دوستان از آن نقد برافشندند بر من منتقدان کتاب ناخنند که شما کتاب را نفهمیده‌اید و این کتاب شاهکاری در نقد تکفیر است. جلا بعد از چند سال از آن رخداد، نوسنده همان واژگان کیفی و استغراق‌های فکری، [...] آمد و اعتراف کرده که دروغ رمان من درباره تکفیر یا بنیادگرایی نبود و درباره تعارضات مستقر در متون دینی بود. بعد هم گفت: «دوسه خطی که در ابتدای رمان آمده، برای گمراه کردن سانسورچی بود که باید مجوز کتبلم را صادر می‌کرد، نه برای خوشاندن عزیز دوست دانشتی خودم. باید از انتشار رمان با مجوز وزارت ارشاد اسلامی توبه کنیم.» نسیهٔ افروزی که وقتاً را مناسب دیدند، بگوید آن چیزی هم که بار کلام خودم، دروغ بود. هدف من فلان بود و بهمان که البته راست می‌گوید»

وی افزود: «دافی دکتر کلمی اشما که کارخان تمام است و هشت سال تمام این را نفهمیده‌اید اماری ثابت در تاریخ خوب است که ان نویسنده این متن نوشته‌ است محتومه انهایی است که با تنونه‌کاری سعی در کتمان عتادها دارند و با همبستر شدن با صاحبان ان نهادها، سعی در غلب نظرشان»

شاهمهرادی در پایان تصریح کرد: «هم‌تیرین خدمت دول حسن روحانی به ایران تقهیم مطلب است. نقطه نقطه این دولت همین است. از بزرگ‌ترینش، برجام، گرفته تا همین خرده‌گفت‌ها، با امید جلب نظر طرف مقابل، از همه چیزشان کوتاه می‌آیند و همه نوع بستری برایش فراهم می‌آورند، اما دست آخر چیزی هم کف دستشان نمی‌آیند.»

کارکاتوریست فلسطینی موجب خشم سعودی‌ها شد

یکی کارکاتوریست فلسطینی پس از انتقاد از سزایه جودوکار عربستانی با حرف صهیونیستی، مورد حمله ازشت سایبری دولت سعودی قرار گرفت. به گزارش فارس، «محمدعباد» کارکاتوریست معروف فلسطینی گفت که پس از انتشار کارکاتوری از تکست جودوکار عربستانی مقابل حرف اسرائیلی خود، حمله واره وسیع ازشت سایبری سعودی قرار گرفته است.

او به روزنامه «الاستقلال» گفت که کارگاری که در شبکه‌های اجتماعی به او حمله می‌کنند، واسفته به یونان پادشاهی سعودی هستند.

«هنای الحفظانی» نام جودوکار زن عربستانی است که روز جمعه گذشته مقابل حرف صهیونیست جودوکار حاضر شد و در نتیجه مجرم به ۱۱ بر صفر شکست خورد و از دور رقابت‌ها حذف شد.

«هنای الحفظانی» نام جودوکار زن عربستانی است که روز جمعه گذشته مقابل حرف صهیونیست جودوکار حاضر شد و در نتیجه مجرم به ۱۱ بر صفر شکست خورد و از دور رقابت‌ها حذف شد.

«هنای الحفظانی» نام جودوکار زن عربستانی است که روز جمعه گذشته مقابل حرف صهیونیست جودوکار حاضر شد و در نتیجه مجرم به ۱۱ بر صفر شکست خورد و از دور رقابت‌ها حذف شد.

«هنای الحفظانی» نام جودوکار زن عربستانی است که روز جمعه گذشته مقابل حرف صهیونیست جودوکار حاضر شد و در نتیجه مجرم به ۱۱ بر صفر شکست خورد و از دور رقابت‌ها حذف شد.

«هنای الحفظانی» نام جودوکار زن عربستانی است که روز جمعه گذشته مقابل حرف صهیونیست جودوکار حاضر شد و در نتیجه مجرم به ۱۱ بر صفر شکست خورد و از دور رقابت‌ها حذف شد.

«هنای الحفظانی» نام جودوکار زن عربستانی است که روز جمعه گذشته مقابل حرف صهیونیست جودوکار حاضر شد و در نتیجه مجرم به ۱۱ بر صفر شکست خورد و از دور رقابت‌ها حذف شد.

«هنای الحفظانی» نام جودوکار زن عربستانی است که روز جمعه گذشته مقابل حرف صهیونیست جودوکار حاضر شد و در نتیجه مجرم به ۱۱ بر صفر شکست خورد و از دور رقابت‌ها حذف شد.

«هنای الحفظانی» نام جودوکار زن عربستانی است که روز جمعه گذشته مقابل حرف صهیونیست جودوکار حاضر شد و در نتیجه مجرم به ۱۱ بر صفر شکست خورد و از دور رقابت‌ها حذف شد.

«هنای الحفظانی» نام جودوکار زن عربستانی است که روز جمعه گذشته مقابل حرف صهیونیست جودوکار حاضر شد و در نتیجه مجرم به ۱۱ بر صفر شکست خورد و از دور رقابت‌ها حذف شد.

«هنای الحفظانی» نام جودوکار زن عربستانی است که روز جمعه گذشته مقابل حرف صهیونیست جودوکار حاضر شد و در نتیجه مجرم به ۱۱ بر صفر شکست خورد و از دور رقابت‌ها حذف شد.

«هنای الحفظانی» نام جودوکار زن عربستانی است که روز جمعه گذشته مقابل حرف صهیونیست جودوکار حاضر شد و در نتیجه مجرم به ۱۱ بر صفر شکست خورد و از دور رقابت‌ها حذف شد.

«هنای الحفظانی» نام جودوکار زن عربستانی است که روز جمعه گذشته مقابل حرف صهیونیست جودوکار حاضر شد و در نتیجه مجرم به ۱۱ بر صفر شکست خورد و از دور رقابت‌ها حذف شد.

«هنای الحفظانی» نام جودوکار زن عربستانی است که روز جمعه گذشته مقابل حرف صهیونیست جودوکار حاضر شد و در نتیجه مجرم به ۱۱ بر صفر شکست خورد و از دور رقابت‌ها حذف شد.